

هیچ
مصلحت‌سنجی
نباید جلوی
عدالت‌گستری را
بگیرد و بزرگ‌ترین
مصلحت، خود
عدالت است.
در واقع از آنجا
که عدالت
تحقق‌بخش
کمالات‌گایی است
و نظم را در جامعه
رعایت می‌کند،
بهترین مصلحت
این است که ما
عدالت را رعایت
کنیم.

باید دست به تفکیک و تقسیم زد. اگر منظورمان از مصلحت به معنای کمال‌گایی است، که از نظم اجتماعی شروع می‌شود و تا قرب الهی و رضوان الهی می‌رسد، قوی‌ترین و محکم‌ترین ابزار رسیدن به آن عدالت است. حتی منهای عدالت، انسان به مصلحت نمی‌رسد، بلکه فساد ایجاد می‌شود؛ فساد در فلسفه خلقت انسان و نظم اجتماعی. یک‌وقت این مقصود است و یک‌وقت نیز مصلحت به معنای رعایت شرایط اجرای احکام عدالت و احکام حامل عدالت است. طبیعی است که در خصوص احکام غیرحامل عدالت که یا ارتباط ندارند یا ارتباط غیرمستقیم با عدالت دارند حرفی نیست. براساس نگاه حضرت امام (ره) گاهی مصلحت اجتماع ایجاب می‌کند که یکباره حکم تعطیل شود؛ چراکه همان نیز برای این است که جامعه بتواند از مصلحت‌های اجتماعی خودش به معنای سیاسی و مصلحت‌های اجتماعی به معنای غیرسیاسی انتفاع پیدا کند. این را دین مگر به شکل بیست درصد، سی درصد نمی‌پذیرد؟ بنابراین تدرّج در عدالت به این معناست که شما شرایط اجرای عدالت را بسنجید تا ببینید که این ظرفیت در جامعه هست یا نیست. اینجا مصلحت‌سنجی ممکن است پذیرفتنی باشد و آن عبارت‌امام علی (ع) احتمالاً ناظر بر همین باشد.

